

پیوندهای بین‌المللی از راه تجارت بر محور معاوضه نفت

فتح‌الله رحیمی*

استادیار حقوق، دانشگاه آزاد تهران شمال

راضیه رسکتی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت، دانشگاه آزاد تهران شمال

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۸/۰۳)

چکیده

دهه ۱۹۹۰ آغاز صادرات نفت برای توسعه اقتصادی کشورهای نواستقلال در آسیای مرکزی است که به علت دسترسی نداشتن به آبراه‌های آزاد بین‌المللی و صرفه اقتصادی نداشتن صادرات نفت خام با هواپیما و یا حمل و نقل آن از راه‌های زمینی از نظر به صرفه بودن مسیر انتقال نفت از ایران به جهت ارتباط دریایی از راه دریای عمان و خلیج فارس با اقیانوس‌ها، به معاوضه نفت متوسل شده‌اند. شروع آزمایشی این عملیات نفتی در ایران، از سال ۱۹۹۶ بوده است و با استمرار به‌عنوان یک قرارداد نفتی، نقش مؤثری در روابط اقتصادی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی ایفا کرده است؛ ولی توقف معاوضه در سال ۲۰۱۰ از سوی ایران و همچنین تناسب نداشتن سطح تولید نفت خام کشورهای آسیای مرکزی به نسبت ظرفیت بالای انتقال آن به بازارهای مصرف و کاهش قیمت جهانی آن و در مقابل افزایش ظرفیت تولید گاز، بر روند رو به رشد روابط اقتصادی از معاوضه، تأثیر منفی گذاشته است. به هرحال معاوضه یک ابزار تجارت متقابل برای تعویض کالا است و در عملیات نفتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است و موجب صرفه‌جویی در هزینه انتقال نفت و فرآورده در داخل کشور و کاهش هزینه‌های حمل و نقل و رفت و آمد جاده‌ای و ریلی می‌شود. با واردات نفت یا فرآورده نفتی تولیدی کشورهای حاشیه دریای خزر در یکی از نقاط مرزی ایران و مصرف آن در داخل و در قبال آن صدور نفت یا فرآورده با همان مشخصات از مرز خروجی دیگر در شرایط غیر تحریمی تجارت نفت ایران، سبب گسترش روابط تجاری و تقویت مناسبات اقتصادی و سیاسی و ارتقاء امنیت ملی این کشورها می‌شود.

کلیدواژه‌ها

پالایشگاه، پایانه نفتی، تجارت، حمل و نقل، خط لوله، درآمد، معاوضه.

* E-mail: rahimif_law@yahoo.com

مقدمه

وضعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک ممتاز ایران با در نظر گرفتن امکان ارتباط زمینی، دریایی و هوایی به همه نقاط عالم، شرایط ویژه‌ای را ایجاد کرد تا بتواند با تعاملات اقتصادی و سیاسی با کشورهای جهان، در عرصه روابط بین‌المللی بر تصمیم‌های گرفته شده تأثیرگذار باشد. وجود منابع عظیم انرژی نفت و گاز در کشورهای حاشیه دریای خزر نیز موقعیتی راهبردی برای توسعه اقتصادی آن‌ها فراهم کرد؛ ولی دسترسی نداشتن به آبراه‌های بین‌المللی برای صادرات محصولات تولیدی، چالشی فرا راه آن‌ها است که مقتضی استفاده از ویژگی جغرافیایی و سیاسی ایران است. از این رو، این موقعیت بستر حضور مدبرانه در بازارهای این کشورها را فراهم کرده است، به گونه‌ای که در اولین گام، انتقال نفت و گاز تولیدی آن‌ها از راه ایران، به ویژه ارزان تر بودن انتقال از این مسیر و کاهش هزینه مربوط به واسطه امکان حمل آن‌ها به وسیله کشتی در مقایسه با راه‌های موجود دیگر، متضمن به دست آوردن منافع بیشتری برای آنان و در مقابل سبب وابستگی بازار آنان به ایران و ارتقاء سطح روابط سیاسی و اقتصادی دو طرف باشد. با آغاز معاوضه نفت خام از اواسط دهه ۹۰، حضور ایران نیز در برهه‌ای از این مقطع زمانی، افزون بر تقویت همکاری‌های اقتصادی و به دست آوردن منفعت مالی از این رهگذر، سبب حضور توانمند در بازارهای نفتی این کشورها و ارتقاء سطح روابط دیپلماتیک شده است؛ ولی به علت شرایط تحریمی که بر اقتصاد ایران به ویژه تجارت نفت تحمیل شد، استمرار عملیات معاوضه نیز تحت تأثیر قرار گرفت و به نظر می‌رسید که ایران را با آنکه خودش یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان است، به کشور واردکننده نفت کشورهای همسایه تبدیل کرده و از سویی سبب تحمیل هزینه‌های زیادی از رهگذر انباشت نفت در کشتی‌ها و بندرها شد.

در این جستار تحلیلی، با نگاهی به وضعیت ژئوپلیتیک ایران و وضعیت ذخایر نفتی کشورهای حاشیه دریای خزر، با شناخت مفهوم حقوقی معاوضه به عنوان ابزار تجارت بین‌المللی، به نقش آن در روابط بین ایران و آن کشورها پرداخته می‌شود. در مورد ضرورت انجام این پژوهش همین بس که با وجود اختلاف نظرها در مورد استمرار عملیات انتقال نفت کشورهای آسیای مرکزی از راه ایران و یا توقف آن، نظر به نبود پژوهش‌های دانشگاهی در مورد ماهیت این ساختار حقوقی، ضرورت کالبدشکافی موضوع در حوزه پژوهش‌های دانشگاهی با در نظر گرفتن فوائد نظری و عملی انکارناپذیر آن، سبب خواهد شد تا ضمن تبیین موضوع و میزان کارایی و اثربخشی آن در پیشبرد هدف‌های توسعه‌ای کشور، با درک و شناخت درست، بتوان با در نظر گرفتن ابعاد موضوع بر منبع درست حقوقی و اقتصادی

تأثیرگذار بر حوزه سیاست و روابط بین‌الملل و با نظریه‌پردازی‌های مناسب، بستر به‌کارگرفتن تصمیم مناسب و همراه با منافع ملی که مورد حمایت همگان باشد را فراهم کرد.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

ویژگی راهبردی منابع هیدروکربوری و تولید و صادرات آن‌ها در یک فرآیند سرمایه‌گذاری و تجاری‌آثاری شگرفی در توسعه کشورهای تولیدکننده این محصولات دارد و از نظر اقتصادی نیز صادرات آن‌ها اهمیت دارد. استفاده از ظرفیتی که در ایران برای مبادلات تجاری نفت تولیدی کشورهای حاشیه دریای خزر وجود دارد، ضمن آنکه ملازمه با تحقق درآمد برای ایران دارد، مقتضی ارتقاء سطح روابط سیاسی و اقتصادی و در نتیجه سبب تقویت امنیت ملی نیز هست؛ از این جهت هدایت و مدیریت عملیات معاوضه نفت، از مبدأ دریای خزر به مقصد خلیج فارس و آب‌های آزاد بین‌المللی اهمیت دارد. بر این اساس، از آنجا که تحلیل موضوع، مستلزم شناخت بسترهای ایجاد معاوضه نفت و منشأ رغبت کشورها در اقدام به این عملیات نفتی است؛ بنابراین در مسیر انجام این پژوهش، پرسش‌های اساسی مطرح است که پاسخ به آن‌ها ضروری است؛ بنابراین اینکه انجام عملیات معاوضه نفت با در نظر گرفتن محاسبه میزان ذخایر نفتی کشورهای حاشیه دریای خزر برای برنامه‌ریزی درازمدت انتقال محصولات تولیدی مربوط و تبیین کاستی‌ها و بایسته‌ها و آثار حقوقی ناشی از به‌کارگیری قرارداد معاوضه در تجارت نفت، چه تأثیری در حوزه اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور دارد، از پرسش‌های اساسی است که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

در مسیر انجام این پژوهش، این فرضیه مطرح می‌شود که به‌نظر می‌رسد قرارداد نفتی معاوضه به‌عنوان وسیله ایجاد ارتباط حقوقی، ضمن به‌دست‌آوردن درآمد، منجر به توسعه و ارتقاء سطح روابط تجاری، اقتصادی و سیاسی کشورهای همسایه واقع در حاشیه دریای خزر با ایران و در نتیجه تأمین منافع ملی و تقویت امنیت کشور می‌شود. بدین ترتیب، نظر به موقعیت جغرافیایی، وضعیت راهبردی، امتیازات و امکانات ایران، انجام عملیات معاوضه نفت با هدف کاهش هزینه‌های انتقال نفت و فرآورده در داخل کشور و به‌دست‌آوردن درآمد از رهگذر انتقال نفت تولیدی کشورهای آسیای مرکزی، ارتقا سطح روابط تجاری با کشورهای همسایه و حفظ موقعیت سیاسی ایران، هدف مشخص و مطرحی است که به‌کاربردن تدبیر در این باره ضروری است. این پژوهش در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش‌های محوری و اثبات فرضیه با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مبتنی بر روش تجزیه و ترکیب مفاهیم و با توصیف موضوعات مربوط و با تحلیل آن‌ها در هر مورد به نتیجه‌گیری پرداخته است.

مفهوم حقوقی معاوضه در تجارت بین‌الملل

معاوضه^۱ در حقوق به معنای معامله پایاپای، تعویض، مبادله و جانشین کردن است (Hull, 2006: 149) و در واقع در حوزه تجارت بین‌المللی نفت، عبارت از توافق بین دو کشور تولیدکننده نفت، گاز یا فرآورده‌های نفتی است که با واردات در یک نقطه مرزی کشور و مصرف آن در داخل و در قبال آن صدور کالا با همان مشخصات از مرز خروجی دیگر در قالب قرارداد نفتی متبلور می‌شود. در این روش، شخص محموله‌ای را تحویل گرفته و معادل حجمی آن را در مکانی دیگر به صاحب محموله تحویل می‌دهد. با توجه به اختلاف در کیفیت محموله، به‌ویژه وزن مخصوص نفت، درصد گوگرد و بعضی فاکتورهای دیگر، در فرمول مورد توافق دو طرف، فقط معادل تفاوت قیمت کیفیت دو نوع کالا (دریافتی و تحویلی) و همچنین هزینه‌های مترتب بر عملیات انتقال باعنوان «معاوضه فی» پرداخت می‌شود. در این نوع معامله، پولی برای اصل محموله پرداخت نمی‌شود و فقط مبلغ معاوضه فی دریافت می‌شود. گاهی معاوضه، در معنای حمل و نقل^۲ نیز به کار می‌رود که به مفهوم عبور از داخل کشور از مرزی به مرز دیگر بدون دخل و تصرف در محموله است؛ بنابراین در این روش معمولاً برای عبور کالا از کشور، هزینه‌های عملیاتی به اضافه درصدی به‌عنوان بالاسری از تحویل‌دهنده کالا دریافت می‌شود. البته ممکن است گاهی با استفاده از همین روش، محموله از فروشنده خریداری و در کشوری دیگر به شخصی فروخته شود.

در معاملات نفتی به روش معاوضه، دولت یا تجار بخش خصوصی، نفت را در مرز یک کشور از همسایگان دریافت می‌کنند و معادل آن از همان جنس کالا را در مرز دیگر آن کشور، به افراد مورد نظر فروشنده تحویل می‌دهند. بنابراین، انتقال نفت در قالب قراردادهای موسوم به معاوضه، فارغ از تشابه نام و تنوع تجارت متقابل با همین عنوان در علم اقتصاد مانند معاوضه ارز، معاوضه انواع کالا (معاوضه پنبه، معاوضه گوگرد، آلومینیم و...) معاوضه نرخ بهره، معاوضه نرخ بازده کل، معاوضه دارایی، معاوضه نکول اعتباری، معاوضه با سررسید ثابت (Ross and Others, 2010: 746)، اساساً مشخصات و ویژگی‌های منحصر به فرد دارد؛ در حالی که این موارد به‌عنوان قرارداد معاوضه در علم اقتصاد نوعی از ابزار مشتقه هستند که در آن‌ها یک طرف قرارداد نسبت به معاوضه درآمدهای ناشی از ابزار مالی خود با درآمدهای ناشی از ابزار مالی طرف مقابل اقدام می‌کند (شیروی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۵). در واقع از راه معاوضه، صادرات نفت کشور تولیدکننده از راه حمل به سرزمین کشور همسایه برای تحویل به پالایشگاه‌های این کشور و دریافت معادل حجمی آن در دیگر نقطه مرزی کشور یادشده برای تحویل به مشتریان نفتی کشور فروشنده (همان کشور تولید و صادرکننده) انجام می‌شود.

1. SWAP
2. Transit

منابع نفت حوزه دریای خزر

سابقه معاوضه در عالم حقوق تجارت بین‌الملل به دهه ۸۰ بر می‌گردد. معاوضه نفتی در ایران از سال ۱۹۹۶ به‌عنوان ابزار تجارت بین‌المللی نفت و فرآورده‌های نفتی مورد شناسایی قرار گرفته است، ولی انجام عملیات معاوضه به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و مستمر از سال ۱۹۹۸ آغاز شده^۱ و شامل عملیات معاوضه فرآورده‌های نفت کوره و بنزین بوده است که از کشورهای آسیای مرکزی در مرزهای شمالی ایران برای مصارف داخلی صورت پذیرفته و معوض آن از بندرها جنوبی کشور صادر شده و متضمن منافی هم برای وزارت نفت بوده است. در این زمان، حجم ذخایر تأیید شده نفتی در این منطقه برابر با ۴۸ میلیارد بشکه و ذخایر گاز طبیعی تأیید‌شده برابر با ۷/۲ هزار میلیارد متر مکعب بوده و حجم ذخایر تأیید‌شده نفت و گاز طبیعی در دریای خزر معادل ۴ درصد از کل ذخایر جهان است. متوسط تولید روزانه نفت از حوزه‌های نفت‌خیز دریای خزر برابر با ۱/۹ میلیون بشکه نفت و تنها ۲ درصد از میزان تولید نفت در جهان بوده است (Mavrakis and Others, 2006: 1671-1680). در میان کشورهای این منطقه قزاقستان و جمهوری آذربایجان بیشترین سهم استخراج و تولید نفت را دارند؛ به‌گونه‌ای که قزاقستان ۶۷ درصد از کل نفت تولیدی از حوزه دریای خزر و جمهوری آذربایجان ۲۲ درصد از کل نفت استخراج‌شده از این منطقه را به خود اختصاص دادند (Ciarreta and Nasirov, 2010: 43-46).

از سویی بنابر برآوردهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا، در حوزه خزر به میزان ۴۸ میلیارد بشکه نفت و ۲۹۲ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی ذخیره اثبات‌شده وجود دارد. ذخایر اثبات‌شده نفت خام حوزه خزر در حدود ۶۰ میلیارد بشکه و ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی این منطقه حدود ۲۳۶ تریلیون فوت مکعب است (EIA, 2006). قزاقستان بیشترین ذخایر نفت قابل استخراج منطقه دریای خزر را دارد و حدود ۶/۱ میلیون بشکه در روز (معادل نیمی از تولید کنونی این منطقه) را به‌خود اختصاص داده است. در همان حال، بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز طبیعی در میان کشورهای اطراف دریای خزر، کشور ترکمنستان با حدود دو سوم از کل تولید منطقه است (گوتس، ۲۰۰۷: ۲۰). به هر حال، سه کشور نواستقلال قزاقستان، جمهوری

۱. اولین معاوضه در سال ۱۹۸۱ بین شرکت IBM و بانک جهانی صورت پذیرفت و تاکنون بازار آن رشد چشمگیری داشته است. امروزه قراردادهای معاوضه جزء مهم‌ترین قراردادهای مالی مورد استفاده در دنیا هستند؛ چنانچه بنابر گزارش بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۰ حجم این نوع از قراردادها بیش از ۳۴۸ تریلیون دلار بوده است. در حال حاضر بیشتر قراردادهای مشتقات خارج از بورس به‌صورت معاوضه انجام می‌شود. این‌گونه قراردادها معمولاً شامل تاریخ پرداخت و نیز شکل محاسبه درآمدها یا جریان‌های نقدی معامله می‌شوند (IBS Case Development Centre, 2011).

آذربایجان و ترکمنستان در مجموع حدود ۲/۳ درصد ذخایر نفت خام جهان را در اختیار دارند.^۱ مقایسه مصرف نفت خام این سه کشور با ارقام تولیدی آن‌ها حکایت از توان صادراتی مناسب دارد؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۲ حدود ۸۴ درصد نفت خام تولیدی آن‌ها یعنی معادل ۲/۴ میلیون بشکه در روز صادر شده است. بر اساس پیش‌بینی‌های سال ۲۰۱۱ مؤسسه بین‌المللی انرژی، تولید نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر با رشد قابل‌توجهی به ۴/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ و پس از آن ۵/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ و میزان صادرات نفت خام پس از سال ۲۰۲۵ با رشد بیش از ۸۷ درصدی به ۴/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (Hart, 2016: 8).

امکان انتقال نفت

کشورهای نواستقلال در آسیای مرکزی در پی فروپاشی اتحاد شوروی، در دهه ۱۹۹۰ با هدف توسعه اقتصادی، با توجه به منابع عظیم انرژی در این منطقه، به‌ناچار به‌دنبال صادرات محصولات نفتی خود هستند (Myers Jaffe and Manning, 1998-99: 112-129). این کشورها به‌علت دسترسی نداشتن به آبراه‌های آزاد بین‌المللی و سود اقتصادی نداشتن صادرات نفت خام با هوایما و یا انتقال آن به‌وسیله راه‌های زمینی و در مقابل سودمند بودن مسیر انتقال نفت از ایران از نظر ارتباط دریایی به اقیانوس‌ها و علاوه بر آن، جاذبه ایران به‌عنوان بازار نهایی نفت آسیای مرکزی و مکانی امن برای انتقال آن از نظر جایگاه ویژه و ژئوپلیتیک در میان کشورهای منطقه و ثبات و امنیت موجود، انتقال نفت در قالب معاوضه به ایران را شروع کرده‌اند. این مسئله سبب شد تا ایران بتواند علاوه بر صادرات تولیدات نفتی خود، تولیدات دیگر کشورهای همسایه را نیز در قالب قراردادهای معاوضه تحویل بگیرد و به خریداران بین‌المللی نفتی در دنیا صادر کند (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۹۵).^۲

موقعیت ممتاز ایران به‌علت نزدیکی به آبراه‌های بین‌المللی و دریای آزاد می‌تواند مسیر انتقال مؤثر و اقتصادی را برای انتقال نفت و حتی گاز کشورهای حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی فراهم کند (متقی و همت‌خواه، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۲۷). این مسیر از نظر برخورداری ایران از صنایع عظیم نفت و گاز و وجود شبکه طولانی و گسترده خطوط لوله، به‌عنوان مهم‌ترین، سریع‌ترین، ارزان‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر انتقال نفت کشورهای حاشیه دریای خزر

۱. این منابع در کشورهای قزاقستان (۳۰ میلیارد بشکه) و جمهوری آذربایجان (۷ میلیارد بشکه) و ترکمنستان (۱ میلیارد بشکه) واقع شده‌اند. تولید نفت خام این کشورها در سال ۲۰۱۴ معادل ۲/۸ میلیون بشکه در روز بوده است و قزاقستان با تولید بیش از ۱/۷ میلیون بشکه در روز، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت خام این منطقه به‌شمار می‌رود.
۲. کشورهای جنوب روسیه، شامل ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان، از راه عملیات معاوضه در ایران کالاهایشان را صادر می‌کنند.

به آب‌های آزاد شناخته شده، به گونه‌ای که نفت این کشورها می‌تواند علاوه بر مصرف در پالایشگاه‌های تهران و تبریز، به بازارهای گسترده و در حال گسترش جنوب شرق آسیا مانند ژاپن و چین ارسال شود. از این رو، چند سال قبل، طرح ساخت خطوط لوله نکا به جاسک مدنظر ایران قرار گرفت تا نفت میدان‌ها کشورهای آسیای مرکزی، به صورت انتقالی از بندر نکا وارد ایران و در بندر جاسک به شرکت‌های خریدار تحویل داده شود. در ضمن برنامه‌ریزی شده است تا مشکل کمبود خوراک پالایشگاه‌های مرکز و شمال غرب کشور، از راه واردات نفت کشورهای حاشیه دریای خزر در بندر نکا و انتقال به ری رفع شود و به تدریج با ساخت تأسیسات مورد نیاز، روند تأمین خوراک از این راه افزایش یابد (Oil and Gas Journal Digital Magazine, 2001). این مسئله سبب شد تا با هدف تأمین بخشی از نیازهای داخل کشور به نفت و فرآورده‌های نفتی و صرفه‌جویی در هزینه‌های حمل‌ونقل نفت و فرآورده نفتی از مناطق نفت‌خیز جنوب به مناطق یادشده، بخشی از ناوگان حمل‌ونقل فرآورده‌های نفتی هم آزاد و امکان استفاده از آن در بخش‌های دیگر برای تسریع و تسهیل مسئله سوخت‌رسانی فراهم و از رهگذر این عملیات نفتی، حق معاوضه (هزینه جابه‌جایی) به دست‌آید و با صادرات فرآورده‌های مازاد بر نیاز داخل به عنوان معوض و جلوگیری از انباشت آن در مخازن، فرصتی برای رهیافت به بازار کشورهای نفت‌خیز حاشیه دریای خزر مهیا شود (نوبخت، ۱۳۸۷: ۱۶۴-۱۵۲). اهمیت عملیات معاوضه از منظر اقتصادی صرف، معطوف به توجیه اقتصادی آن در به دست آوردن درآمد و در مقابل صرفه‌جویی در هزینه انتقال نفت در داخل و کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل است؛ ضمن آنکه از منظر روابط بین‌المللی نیز آثار سیاسی دارد.

کشورهای تولیدکننده نفت در حوزه دریای خزر در روش معاوضه، نفت صادراتی خود را با کشتی‌های نفت‌کش به بندر نکا منتقل می‌کنند و به تجار یا دولت ایران تحویل می‌دهند. این محموله نفتی به پالایشگاه‌های تهران و تبریز انتقال می‌یابد و بعد از پالایش در کشور به مصارف داخلی می‌رسد. در ازای نفت دریافت‌شده در پایانه نفتی شمال (نکا)^۱، معادل آن از پایانه نفتی جزیره خارک واقع در خلیج فارس صادر می‌شود (فرزانگان، ۱۳۸۳: ۲۰-۳).

۱. «پایانه نفتی شمال»، در واقع کانون معاوضه کشور و اصلی‌ترین بندر انتقالی ایران برای این عملیات است که در ۲۰ کیلومتری شمال شهر نکا در زمینی به مساحت تقریبی ۶۲ هکتار با هدف انتقال نفت کشورهای حوزه دریای خزر که از نظر دسترسی نداشتن به آبراه‌های بین‌المللی امکان انتقال نفت و فرآورده‌های نفتی مربوط را ندارند، ساخته شد. عملیات اجرایی این پایانه نفتی با پیمانکاری شرکت سینوپک کشور چین از ۱۴/۱/۲۰۰۱ شروع شده و در ۳/۳/۲۰۰۲ به پایان رسید و با تخلیه اولین نفت‌کش به نام VOLGA NEFT 263 در ۱۳۸۲/۱/۳ در مدار عملیات قرار گرفت (شانا، ۱۳۹۴).

با توجه به قانونی نبودن خرید و واردات نفت، عملیاتی کردن معاوضه مواد نفتی در قالب حقوقی معاوضه نفت خام کشورهای آسیای مرکزی با نفت خام تولیدی ایران در جنوب کشور، شرکت‌های فعال در این عرصه را به سوی خود کشاند. این شرکت‌ها محموله‌های کوچک حداکثر ۵۰۰۰ تنی نفت خام این کشورها را از راه بندر نکا با هماهنگی شرکت سهند نفتیران وابسته به شرکت نیکو، پایانه نفتی شمال را تحویل می‌دهند و بنابر قرارداد بسته شده با عنوان معاوضه، معادل حجمی آن را در پایانه نفتی خارک، تحویل می‌گرفتند و برابر توافق‌های قراردادی، مبلغی به عنوان حق معاوضه متناسب با شرایط مربوط از جمله دوره قرارداد، میزان و کیفیت محصولات می‌پرداختند. میزان حق معاوضه براساس مصوبات هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران تعیین و تعدیل می‌شد.

با توجه به محدود بودن مسیر دسترسی کشورهای حوزه دریای خزر به بازارهای بین‌المللی، میزان حق معاوضه^۱ در آغاز عملیات معاوضه نفت این کشورها، در حدود ۲۲ الی ۲۴ دلار در هر متریک تن و معادل ۲/۳۰ الی ۲/۹۰ دلار در هر بشکه بوده است؛ ولی در پی ساخت خط لوله بی‌تی‌سی^۲ و خط لوله سی‌پی‌سی^۳، خط لوله ساخته شده به سمت چین، فعال شدن خط لوله قدیمی روسیه (خط دوستی) و وجود حضور رقبای فعال در منطقه، متغیر بودن بهای نفت خام در بازارهای بین‌المللی و موانع گمرکی ایران در مبادی ورودی، سبب انصراف شرکت‌های معاوضه‌کننده خارجی^۴ از انتقال محموله‌های نفتی از مسیر ایران و تمایل آن‌ها به استفاده از مسیرهای دیگر انتقال نفت خام به بازارهای بین‌المللی شده است. در نتیجه، تمایل نداشتن شرکت‌های معاوضه‌کننده به پرداخت حق معاوضه به میزان یادشده، موجب شد تا در ۹ اکتبر ۲۰۰۷ حق معاوضه دریایی به مبلغ بین ۴/۵ الی ۱۰ دلار در هر متریک تن کاهش یابد تا اینکه با استمرار این روند، سرانجام در سال ۲۰۰۶ حق معاوضه به مبلغ ۵۰ سنت در هر بشکه تعیین شد (Guliyev and Akhrarkhodjaeva, 2009: 3171–3182).

1. Swap Fee

2. BTC (Baku-Tbilisi-Ceyhan)

۳. سی‌پی‌سی (CPC) خط لوله کنسرسیوم تنگیز را به نوروسیسک متصل می‌کند. در سال ۱۹۹۷ کنسرسیوم خط لوله دریای خزر بعد از مباحثات فراوان قراردادی برای ساخت یک خط لوله از قزاقستان به نوروسیسک بست. طول این خط پیشنهادی تقریباً ۱۷۰۰ کیلومتر بود. هزینه ساخت این مسیر حدود ۲/۵ میلیارد دلار برآورد شده و به دنبال ساخت آن، باید پایانه صادراتی جدیدی در فاصله چند کیلومتری از پایانه موجود در نوروسیسک ساخته می‌شد. نفتی که از راه این خطوط لوله منتقل می‌شود، در پایانه روسی نوروسیسک در نفت‌کش بارگیری و با عبور از تنگه‌های بسفر و داردانل، وارد مدیترانه می‌شود.

۴. این شرکت‌ها شامل شرکت‌های سلکت انرژی، ویتول، کاسپین اویل و دراگون اویل بودند.

نظر به افزایش مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران و هزینه بالای ساخت خطوط لوله و تأسیسات جانبی مستقل برای انتقال فرآورده‌ها از جنوب به مرکز کشور و لزوم تأمین نفت خام مورد نیاز پالایشگاه‌های تهران و تبریز از شمال کشور، در عمل معاوضه نفت کشورهای حاشیه دریای خزر واجد توجیه اقتصادی به نظر می‌رسید. از این‌رو، در سال ۱۹۹۶ به میزان کمی نفت از قزاقستان به صورت معاوضه دریافت و در پالایشگاه تهران فرآوری شد. فارغ از شروع آزمایشی معاوضه نفت خام در آن سال، انجام طرح معاوضه نفت خام به‌عنوان برنامه مشخص دو سال بعد برای دریافت و فرآوری نفت خام آسیای مرکزی (ترکمنستان و قزاقستان) آغاز شد. با ساخت خط لوله نکا-ری، قرار شد تا پایان نیمه اول سال ۲۰۰۳، امکان پذیرش و فرآوری روزانه ۱۲ هزار بشکه نفت خام فراهم و با توجه به اختلاف قیمت بین نفت خام صادراتی ایران با بازارهای شرق آسیا و برنت، با هدف جلوگیری از کاهش تحویل معاوضه، تخفیف هم در نرخ معاوضه اعمال شود. بدین ترتیب، در عمل از سال ۲۰۰۱ با تکمیل مرحله اول خط انتقال به ظرفیت ۵۰۰۰۰ بشکه در روز، حجم نفت خام قابل معاوضه افزایش یافت و انتقال این مرحله تا سقف ۱۴۰ هزار بشکه در روز متضمن انجام هزینه‌ای معادل ۱۰۱/۹۵ میلیون دلار بود. این در حالی است که سرمایه‌گذاری برای بهبود فرآوری نفت خام در پالایشگاه‌های تهران و تبریز برای ظرفیت این مقدار نفت خام، هزینه‌ای معادل ۱۵۰ میلیون دلار و ۱۰۰ میلیارد ریال در بر داشت.^۱

تحلیل هزینه‌ها در سال ۲۰۰۴ نمایانگر اقتصادی بودن طرح انتقال و تصفیه مشهور به کراس و کراس پلاس^۲ به میزان حداقل ۸ دلار در هر تن حق معاوضه^۳، در صورت اجرای این طرح در ۱۰۰ درصد ظرفیت مربوط بود. با این حال، در صورت ارتقای کمی و کیفی فرآورده‌های تولیدی در دو پالایشگاه تهران و تبریز، پرداخت حق معاوضه نفت خام از راه نکا یک دلار و از راه راه آهن ۰/۵ دلار و در سال ۲۰۰۸ حق معاوضه نفت خام از نکا و از راه راه آهن معادل ۵۰ سنت بشکه تعیین شد. از آنجا که دریافت مبالغی به‌عنوان حق معاوضه از شرکت‌های معاوضه‌کننده برای پوشش هزینه‌های مرتبط با عملیات معاوضه بود؛ بنابراین خط لوله

۱. این مرحله از سرمایه‌گذاری برای انتقال ۱۴۰ هزار بشکه در روز نفت خام با عنوان طرح CROS نامگذاری شد.

2. Cros & Cros+

۳. در صورتی که معاوضه فی (Swap Fee) معادل ۸ دلار/تن و انتقال نفت خام به میزان ۳۷۰ هزار بشکه در روز اتفاق می‌افتاد، نرخ بازدهی معادل ۱۸ درصد بود. با توجه به افزایش هزینه سرمایه‌گذاری و همچنین کاهش رقم حق معاوضه، اقتصاد این طرح بر مبنای حق معاوضه توجیه اقتصادی ندارد.

اسوی‌اف^۱ با هزینه‌ای در حدود ۱۶۸ میلیون دلار، پایانه نکا را به خط لوله سراسری متصل کرد و نفت خام از شمال به این خط انتقال می‌رسید تا قسمتی از نفت خام پالایشگاه‌های تهران و تبریز تأمین و در متقابل از ظرفیت خالی خط انتقال نفت خام جنوب به شمال برای ارسال فرآورده‌های نفتی به مناطق شمالی کشور استفاده و با توجه به پیامدهای مربوط در حمل‌ونقل، سبب صرفه‌جویی در هزینه‌ها شود (نویخت، ۱۳۸۷: ۱۶۴-۱۵۲).

مبانی رجوع به معاوضه نفت و آثار آن از دیدگاه اقتصادی و سیاسی

با آنکه انتقال نفت از مسیر ایران برای کشورهای تولیدکننده نفت حوزه دریای خزر از نظر تجاری سودآور و توجیه اقتصادی دارد و در متقابل استفاده از مسیرهای باکو-نورسپک، باکو-سوپسا، باکو-جیحان و تنگیز-نورسپک صرفه اقتصادی ندارد (-Dorian, 2006: 544-555)؛ ولی به هر حال، این مسیر مطمئن و مقرون به صرفه، به‌عنوان یک راه موجود برای صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی این کشورها به اروپا، آمریکا و آسیا است (Clawson, 1997-98: 17-27). اینکه دلایل توجه به معاوضه نفت چه بوده، موضوعی تأمل‌برانگیز و نیازمند تحلیل است.

با آنکه بیشتر منابع نفتی ایران در مناطق جنوب و جنوب غربی هستند، بیشتر جمعیت کشور در نواحی مرکزی و شمالی متمرکز شده‌اند؛ بنابراین نفت و فرآورده‌های نفتی مورد نیاز برای مصارف داخلی از میدان‌ها جنوبی به سوی مرکز و شمال انتقال می‌یابد.^۲ از همین منظر، معاوضه نفت خام و فرآورده‌های نفتی از کشورهای شمالی، با هدف اجتناب از پرداخت هزینه‌های انتقال آن‌ها از جنوب به شمال کشور مطرح شد که در ضمن درآمدزایی محدودی هم داشت. از این رو، با گسترش زیرساخت‌های مورد نیاز از جمله تغییرات فنی لازم، بخشی

۱. اسوی‌اف مخفف Sinopec- Vitol- Federal Asia Hong Kong است. سه شرکت سینوپک چین، ویتول سوئیس و فدرال ایشیا هنگ‌کنگ قرار بود با ایجاد کنسرسیومی به نام SVF خط لوله‌ای را به همین نام در ایران ایجاد کنند. ویتول سوئیس متعهد شد که به‌عنوان تریدر این مجموعه، هزینه‌ای را به دولت ایران بپردازد؛ چه این خط لوله خالی باشد و چه پر باشد. از سوی دیگر، در آن زمان این اولین طرح برون‌مرزی نفت و بندرسازی بود که چینی‌ها در آن دخالت داشتند و قرار بود با ارتقای پتروشیمی تبریز و اسیدزدایی از نفت وارداتی از محل سوآپ و همچنین گوگردزدایی برای پالایشگاه تهران، نفت وارداتی در پالایشگاه‌های شمالی مصرف شود. با برکنارکردن ویتول از این طرح و جایگزینی چین، این کشور نیز به‌جای آنکه نفت را از مسیر ایران منتقل کند از غرب قزاقستان به اوروم چی چین منتقل کرد. در نتیجه، ایران از دیپلماسی انرژی منطقه شمال حذف شد و چینی‌ها و روس‌ها در این زمینه متحد شدند.

۲. ۱۴ استان شمالی در مجموع ۵۵ درصد بنزین، ۳۹ درصد نفت‌گاز و ۳۹ درصد نفت کوره کشور را مصرف می‌کنند.

از نفت خام خوراک پالایشگاه‌های تهران و تبریز از محل معاوضه تأمین و در پی قدرت‌گرفتن توان تولید کشورهای حاشیه دریای خزر، طرح ساخت خط لوله نفت نکا- جاسک با هدف انتقال نفت خام این کشورها نیز مطرح شد (قاسمیان، ۱۳۹۰: ۲۳-۱۷). با توجه به موقعیت مکانی پالایشگاه‌های تهران، تبریز، اراک و اصفهان نسبت به میدان‌های تولید نفت جنوب کشور، افزایش روزافزون مصرف فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین و گازوئیل در داخل و محدودیت پالایشگاه‌های موجود برای جبران این نیاز از یکسو و نبود خطوط لوله و تأسیسات مستقل برای ارسال فرآورده از جنوب به شمال و همچنین، وضعیت خطوط لوله انتقال نفت خام از میدان‌ها جنوب به این پالایشگاه‌ها و ضرورت ارسال فرآورده‌های تولیدی پالایشگاه آبادان و وارداتی به مرکز کشور از همین خطوط، توجه به معاوضه را ضروری می‌کند. بر این اساس، از آنجا که دریافت نفت به صورت معاوضه از کشورهای حاشیه دریای خزر و افزایش تدریجی آن، ضمن آنکه مشکل نفت‌رسانی به پالایشگاه‌های تهران و تبریز را کاهش می‌دهد، در مقابل مانع ارسال معادل آن از نفت مناطق نفت‌خیز جنوب به مرکز کشور و در نتیجه هدایت آن به مقصد خارک برای صادرات شده و با این جابه‌جایی به دلیل کاهش مسافت بین مبدأ و مقصد هزینه انتقال نفت به پالایشگاه‌های تهران و تبریز به کمتر از نصف کاهش می‌یابد. از سویی، شرکت‌های طرف قرارداد معاوضه که نفت کشورهای حاشیه خزر را به ایران انتقال می‌دهند، در مقابل دریافت‌کننده نفت ایران در خلیج فارس و خریداران نفت ایران هستند؛ بنابراین ضمن دریافت معادل نفت تحویلی، این خرید نفت ایران و تحویل آن در جنوب کشور، سبب ایجاد نوعی وابستگی مصرف‌کنندگان نفت به کیفیت نفت خریداری شده از ایران می‌شود.

به علت دسترسی نداشتن پنج کشور حاشیه دریای خزر به دریای آزاد برای انتقال و فروش نفت خود به بازار مصرف‌کنندگان، از آنجا که این کشورها با وجود ساخت خطوط لوله طولانی و صرف هزینه‌های زیاد نمی‌توانند نفت خود را به کشورهایی چون چین، ژاپن و یا دیگر بازارهای مصرف ارسال کنند؛ بنابراین بستن قرارداد و همکاری با این کشورها برای فروش نفت خود علاوه بر تحکیم دوستی بین ایران و کشورهای همسایه، سبب ایجاد موقعیت برای همکاری بیشتر در زمینه‌های دیگر و رفع مشکل آن‌ها برای فروش نفت خود و احساس تعهد نسبت به ایران خواهد شد (آروا نینوبولوس، ۱۳۷۷: ۱۴۳). آنچه مشخص است، اینکه این کشورها به هر وسیله‌ای حتی با صرف هزینه‌های زیاد و با پایین آمدن قیمت نفت، آن را به کشورهایی مانند ژاپن، چین و هند خواهند فروخت و در مقابل کشورهای مصرف‌کننده نیز تأسیسات پالایشگاهی خود را منطبق با نفت دریافتی از این کشورها اصلاح و تنظیم خواهند کرد و به تدریج با افزایش میزان نفت دریافتی از آن کشورها خرید خود از ایران را کاهش خواهند داد و در نتیجه از خریداران نفت ایران در بازارهای بین‌المللی کاسته خواهد

شد. بنابراین به کارگرفتن تدبیر مقتضی برای ایجاد رابطه خوب با کشورهای مورد اشاره و ایجاد فرصت برای ایران در مجامع بین‌المللی از رهگذر ایجاد اطمینان و امنیت برای انتقال نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی این کشورها از راه ایران و همچنین تضمین بیشتر برای تأمین خوراک پالایشگاه‌های تهران و تبریز و رفع نگرانی از کاهش یا قطع خوراک آن‌ها، ضروری است.

عملیات معاوضه نفت علاوه بر به دست آوردن درآمد به صورت کارمزد و اجرت تحویل نفت در شمال و صدور همان مقدار نفت در جنوب، با توجه به انتقال این مواد نفتی، سبب صرفه‌جویی و در نتیجه کاهش هزینه حمل و نقل آن در داخل کشور می‌شود و به شکوفایی اقتصادی مناطق محل انجام این عملیات و عبور خطوط لوله منجر می‌شود و این مبادلات تجاری، روابط اقتصادی بین کشورهای مربوط گسترش یافته و در نتیجه سبب حضور در بازار مصرف آن کشورها برای فروش محصولات ایرانی می‌شود و با ایجاد اشتغال داخلی و توزیع درآمد و نیز تعریف فعالیت‌های تجاری مرتبط و جدید، موجب حفظ و ارتقا امنیت و تأمین منافع ملی شده و موجبات تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به سرمایه‌گذاری در زمینه تجهیزات و تأسیسات زیربنایی برای انتقال سوخت را فراهم می‌آورد.

ایجاد روابط تجاری با کشورهای همسایه در حوزه دریای خزر از جهت راهبردی برای توسعه اقتصادی کشور و تأمین و تقویت امنیت ملی ضروری است. بنابراین تسهیل روند تجاری در عملیات معاوضه نفت و فرآورده‌های نفتی، سبب تعامل مطلوب برای صادرات این کشورها از راه بستن این نوع قراردادهای نفتی و انتقال محموله‌های مربوط از ایران و موجب حضور در بازارهای این کشورها برای توسعه تجاری و ایجاد روابط دوستانه و همگرایی و همکاری منطقه‌ای مناسب و در نتیجه تحکیم و تقویت روابط سیاسی و ثبات سیاسی در منطقه خواهد شد که تأمین منافع سیاسی و امنیتی کشور را تضمین می‌کند.

در هر حال، بستن قراردادهای معاوضه نفتی آن‌چنان اهمیتی داشت که اولین بار با وجود توافق رؤسای جمهور وقت دو کشور ایران و قزاقستان بر تعیین ۱۴ دلار برای هر تن هزینه معاوضه نفت خام و طولانی شدن گفت‌وگوهای نهایی منجر به توافق بین دو طرف نزدیک به ۹ ماه و مخالفت برخی قدرت‌های جهانی از جمله ایالات متحده با آن و تحریم تجارت نفت ایران و کنترل هرگونه حضور فعال نفتی ایران در صحنه بین‌المللی، بدون توقف اجرای قرارداد در پی ارسال چند محموله به پایانه نفتی نکا به علت رعایت نکردن کیفیت مورد توافق نفت خام قزاقستان، ساخت یک خط لوله جدید با هدف انتقال نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر به اروپا از راه باکو، تفلیس و سپس جیحان (خط لوله بی‌تی‌سی) و سرانجام در ساحل دریای مدیترانه، ضرورت حضور نفت خام ایران در بازار بین‌المللی، محسوس بود. این در حالی است که با تحریم خرید حدود ۶۶۰ هزار بشکه

در روز نفت خام ایران به وسیله شرکت‌ها و پالایشگران آمریکایی (در خارج از کشور آمریکا) بنا بر دستور اجرایی رئیس جمهور وقت آمریکا^۱ و همچنین افزایش تولید نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر و امکان از دست‌دادن بازارهای بیشتر فروش نفت خام ایران، ضرورت و اهمیت بستن قراردادهای معاوضه نفت خام با کشورهای حاشیه دریای خزر نمایان بود (یزدانی، ۱۳۸۵: ۵۲-۳۳).

با توجه اینکه هدف از اجرای طرح معاوضه نفتی، توسعه مبادلات اقتصادی و بازرگانی در حوزه انرژی با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و رقابت با سایر راه‌های انتقال نفت خام این منطقه به بازارهای مصرف بوده است؛ بنابراین سرمایه‌گذاری‌های انجام‌گرفته برای گسترش ظرفیت انتقال نفت خام این منطقه برای ظرفیت ۳۷۰ هزار بشکه در روز با در نظر گرفتن حق معاوضه حداقل به میزان ۸ دلار در هر بشکه و منافع ناشی از تولید فرآورده‌های سبک، دارای توجیه اقتصادی تشخیص داده شد (EIA, 2006)؛ بنابراین، در شرایط کنونی با توجه به دست‌نیافتن به ظرفیت و حق معاوضه پیش‌بینی شده، تحقق هدف‌های اقتصادی مربوط نیز منتفی شده و در نتیجه از این سرمایه‌گذاری درآمدهای مورد نظر شرکت ملی نفت ایران هم به‌دست نیامد. با وجود این، در این وضعیت وزارت نفت ایران در سال ۱۳۸۹ روند انجام عملیات معاوضه را با عنوان حفظ منافع ملی کشور متوقف و قراردادهای مربوطه را باطل کرده است (Financial Tribune, 2015)^۲، در نتیجه منافع حاصل از ساخت پایانه نفتی شمال و درآمد ناشی از عملیات معاوضه نیز با توقف عملیات معاوضه منتفی شد.^۳ با این حال، با فراهم شدن زیرساخت‌ها و حل مشکلات بین‌المللی، امکان افزایش ظرفیت معاوضه و انتقال نفت خام همسایگان شمالی به مبادی مصرف، به ۲/۵ میلیون بشکه نفت خام در روز وجود دارد.

۱. البته ایران پس از چند ماه، خریداران جدیدی با میزان حجم محموله کمتر را جایگزین آنان کرد.
۲. چگونگی انطباق تصمیم وزارت نفت به توقف عملیات معاوضه و باطل کردن و تمدیدنکردن قراردادهای مربوط به چهار شرکت بین‌المللی، سلکت انرژی تریدینگ، دراگون اوایل امارات، ویتول سویس، کاسپین اوایل و رولوپمنت ایرلند^۲ و استفاده آنان از این مسیرهای چهارگانه با توجه به فشار سیاسی آمریکا برای ایزوله کردن مسیر اقتصادی و سیاسی و کاهش نفوذ ایران در کشورهای همسایه شمالی و ترغیب آنان به استفاده از مسیرهای جداگانه مورد اشاره، با منافع ملی قابل تأمل است.
۳. باطل کردن قراردادهای نفتی و تعلیق عملیات معاوضه، موجب توقف این تجارت و در نتیجه تعطیلی بخش مهمی از پایانه نفتی شمال ایران و از دست‌دادن بازار نفت کشورهای همسایه حوزه دریای خزر شده، در حالی که چگونگی رعایت موازنه حقوقی، سیاسی و اقتصادی آن، از نظر مباحث سیاسی و امنیتی مربوطه تبیین نشده و مبهم است.

علل توقف معاوضه نفت خام

در ظاهر این گونه به نظر می‌رسید که در پی بستن قراردادهای معاوضه، به همان میزان که در عمل بازار جهانی بیشتری به نفت خام ایران وابسته می‌شد، در همان حال، به علت محدود شدن کشورهای دریافت‌کننده نفت خام تولیدی و مستقیم از این منطقه، تعدادی از شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکایی و اروپایی که در کشورهای آذربایجان یا قزاقستان و ترکمنستان به تولید نفت خام مشغول بودند، به دلیل نگرفتن مجوز از دولت‌های متبوع، امکان بستن قرارداد معاوضه نفت با ایران را نداشتند؛ بنابراین نتیجه صدور نفت خام موعوض وارداتی این کشورها از پایانه نفتی خارک و ندادن اجازه بازاریابی آن به طرف مقابل، آن بود که از ورود رقبای نفتی در شمال کشور و در نهایت جایگزین کردن نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر به جای نفت خام ایران جلوگیری شد؛ ولی منصرف از میزان درآمد به دست آمده از معاوضه نفت خام، از آنجا که مقتضای توسعه سهم بازار نفت خام صادراتی ایران، باید به دست آوردن سود قابل توجه و جلوگیری از تحمیل هزینه‌های بعدی بازاریابی برای ابقای سهم بازار نفت ایران و به دنبال آن افزایش آن در عرصه فروش نفت خام در بازارهای بین‌المللی باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که معاوضه نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر با نفت خام صادراتی ایران از راه پایانه خارک، با این نگرش دربردارنده منافع درازمدت ملی است؛ ولی از آنجا که تحویل ندادن معادل حجمی نفت خام وارد شده به کشور، در جنوب ایران از سوی شرکت‌های معاوضه‌کننده برای فروش به مشتریان نفتی و همچنین تحریم نفت تولیدی ایران سبب تحمیل شرایط نامساعد برای ایران از معاوضه نفت کشورهای حاشیه دریای خزر می‌شد، از این منظر استمرار این وضعیت در حالتی که نفت خام تولیدی ایران امکان فروش در جهان را نداشت، منطقی به نظر نمی‌رسید. ولی اگر بتوان با این عملیات نفتی سودی برای کشور ایجاد کرد و از تعاملات تجاری، روابط سیاسی بین همسایگان را گسترش داد تا سبب تقویت امنیت ملی کشور و نفوذ در بازارهای کشورهای همسایه شود، انطباق این توقف با حفظ منافع ملی، اندکی قابل تأمل است.

تحریم نفت ایران و مبادلات تجاری مربوط به آن سبب شد تا حجم زیادی از نفت خام و میعانات گازی در مخازن خشکی و شناورهای بزرگ متوقف و نگهداری شود؛ به همین علت، دشواری در صادرات و فروش نفت در سال ۲۰۰۹ موجب آن شد تا ایران تولید روزانه نفت خام را به میزان ۳۰۰ هزار بشکه کاهش دهد. از سویی، این کاهش هم‌زمان با انجام عملیات معاوضه در همین زمان بحرانی بوده که در واقع نوعی خرید قطعی نفت متعلق به شرکت‌های اروپایی توسعه‌دهنده میدان‌های نفتی کشورهای همسایه شمالی ایران بدون تحویل معادل آن نفت در پایانه نفتی خارک در جنوب ایران به این شرکت‌ها بود.

با توجه به عوامل مؤثر بر تصمیم ایران به توقف عملیات معاوضه نفت و آثار اقتصادی و سیاسی این تصمیم بر تعاملات بین کشورهای آسیای مرکزی و ایران، موضوع امنیت ملی کشور در موازنه امنیت منطقه‌ای بسیار بااهمیت و مستلزم دقت نظر و تأمل بیشتری است. اگرچه روند عملیات معاوضه با وجود سرمایه‌گذاری‌های صورت پذیرفته برای افزایش ظرفیت خط انتقال نکا-ری، انتظار تحقق حجم ۳۷۰ هزار بشکه‌ای در روز با در نظر گرفتن حق معاوضه حداقل ۸ دلار در هر تن با نرخ بازده ۱۸ درصد را برآورده نکرد و با آنکه در سال‌های اولیه به تدریج روند افزایشی یافته، به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۶ به بیشترین میزان خود، به ۱۳۰ هزار بشکه در روز رسید؛ اما در سال‌های بعد با نوساناتی روبه‌رو شد و از سال ۲۰۰۹ سیر نزولی پیدا کرد و به ۹۰ هزار بشکه در روز رسید و با کاهش شدید در سال ۲۰۱۰ به میزان ۱۳/۳ هزار بشکه در روز، در نهایت برای مدتی متوقف شد و شرکت‌های خارجی طرف قرارداد نیز مسیرهای ارزان‌تری را جایگزین مسیر ایران کردند. سرانجام در تابستان سال ۲۰۱۱ روند معاوضه نفت با مقدار ۳/۴ هزار بشکه در روز دوباره از سر گرفته شد.

علاوه بر آن کیفیت پایین نفت خام وارداتی و توجیه اقتصادی نداشتن مرکپتان‌زدایی نفت خام معاوضه در پایانه نکا و همچنین سرمایه‌گذاری نکردن شرکت‌های ذینفع در این موضوع و خارج‌شدن نفت خام به صورت معوض از کشور و تبدیل معاوضه به خرید قطعی نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر و واردات نفت به ایران، استمرار این روند با نام معاوضه برای اقدام به پرداخت وجه نقد برای واردات نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر منطق اقتصادی و منفعت عقلایی نداشت؛ ضمن آنکه کشور در این زمان با کاهش تولید ملی نفت روبه‌رو بود و به‌عنوان کشور تولیدکننده عمده نفت خام در دنیا و لزوم انجام صادرات نفت خام خود برای به‌دست‌آوردن درآمد، به‌شکل قانونی نمی‌توانست بدون اجازه قانون‌گذار واردکننده نفت کشورهای همسایه باشد و به میزان واردات نفت این کشورها از میزان تولیدات خود به زیان مرم بکاهد؛ به همین دلیل تحویل‌ندادن نفت معوض در پایانه نفتی جنوب از سوی شرکت‌های معاوضه‌کننده، سبب فروش‌نرفتن حداقل سیصد هزار بشکه نفت خام تولیدی در روز کشور و در نتیجه سبب کاهش تولید ملی نفت کشور به‌دلیل نبود امکان صادرات و فروش نفت تولیدی کشور شد. این در حالی است که هزینه به فروش نرفتن نفت خام تولیدی کشور به علت انباشت آن به صورت ذخیره‌سازی در کشتی‌های گول‌پیکر^۱، در واقع

۱. به نفت‌کش بزرگی که ظرفیت آن از ۱۶۰ تا ۳۲۰ هزار تن باشد، در اصطلاح ((Very Large (VLCC) Crude Carrier)) و به نفت‌کش بسیار بزرگی که ظرفیت آن بیش از ۳۲۰ هزار تن باشد نفت‌کش (ULCC: Ultra Large Crude Capacity)) گفته می‌شود. کشتی نفت‌کش ویژه حمل نفت خام به‌صورت فله طراحی و ساخته شده و ابعاد مختلف دارد. سطح عرشه این کشتی‌ها از لوله‌ها و پمپ‌ها پوشیده شده که انتقال نفت خام

هزینه‌ای بوده که بخشی از آن ناشی از عملیات نادرست باعنوان معاوضه بر اقتصاد انرژی کشور وارد و تحمیل می‌شد.

نتیجه

ایجاد پیوندهای بین‌المللی از راه تجارت و ارتقاء سطح روابط اقتصادی میان کشورها، سبب نفوذ آن به سایر حوزه‌های راهبردی و تأثیرگذار سیاسی، امنیتی بین آن‌ها می‌شود. در این میان، تعامل تجاری و اقتصادی مبتنی بر انرژی در شکل‌دهی روابط و پیوندهای منطقه‌ای و جهانی نقشی مؤثر دارد. از آنجا که تلاش دولت‌های همسایه شمالی ایران برای به‌دست‌آوردن منافع بیشتر از راه استخراج منابع قابل توجه نفت و گاز مربوطه برای توسعه کشور با صادرات آن ملازم است؛ بنابراین انتقال این منابع به بازارهای مصرف به‌دلیل محدودیت‌های سرزمینی به توسعه روابط انرژی محور با ایران نیازمند است. بر این مبنای دسترسی نداشتن چهار کشور تولیدکننده نفت و گاز در حاشیه دریای خزر به آب‌های آزاد بین‌المللی برای صادرات این محصولات، سبب ابراز تمایل این کشورها به انتقال تولیدات خود از راه ایران شد. در مقابل، مقرون به‌صرفه اقتصادی بودن تغذیه پالایشگاه‌های شمالی ایران از نفت خام همان منطقه به‌جای انتقال نفت از میدان‌های نفتی جنوب ایران، موجب شد تا از سال ۱۹۹۹ با ایجاد و توسعه تأسیسات مورد نیاز در بندر نکا، معاوضه نفت خام این کشورها از راه ایران آغاز شود.

عملیات معاوضه و انتقال مواد نفتی، نوعی تجارت متقابل در عرصه بین‌المللی است و کشورهایی که فرصت و شرایط آن را داشته و از آن استفاده کرده‌اند، برای خود درآمدی هم به‌دست‌آورده‌اند. عملیات معاوضه در ایران وقتی کارساز و مفید است که شرایط تحریم مرتفع شده و بر سر راه تجارت نفت مانعی وجود نداشته باشد و ایران بتواند به راحتی تمامی نفت قابل صادرات خود را بفروشد. با وجود این، توقف معاوضه، هدف توسعه تعاملات اقتصادی و بازرگانی در رقابت با سایر راه‌های انتقال نفت خام منطقه آسیای مرکزی به بازارهای مصرف را بی‌نتیجه گذاشت و هر چند به تناسب برنامه تأمین خوراک پالایشگاه‌ها، امکان انتقال و تأمین نفت خام تولیدی مورد نیاز پالایشگاه‌های تهران و تبریز از مناطق نفت‌خیز جنوب کشور وجود دارد، ولی از نظر رعایت موازنه هزینه و فایده انتقال آن در قالب معاوضه نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر و آثار بین‌المللی این تعاملات، دربردارنده منافع اقتصادی و سیاسی کشور

است. نفت‌کش‌های جدید پوشش‌های خاصی برای جلوگیری از نشت نفت به آب دریا دارند. ظرفیت و اندازه این نفت‌کش‌ها متفاوت است؛ ولی برای طبقه‌بندی آن‌ها حدودی را تعریف کرده‌اند که بر حسب گنجایش نفت خام تقسیم‌بندی شده است.

نیست؛ به ویژه اینکه برقراری تعاملات بازرگانی بین کشورهای حاشیه دریای خزر ضمن ارتقاء روابط سیاسی و اقتصادی، سبب کاهش ضریب ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود؛ بنابراین به کارگرفتن هرگونه تصمیم در مورد معاوضه نفت، نیازمند رعایت سیاست‌های کلان کشور در مورد توسعه بازرگانی انرژی محور در منطقه آسیای مرکزی است.

منابع

الف) فارسی

۱. آروا نینوبولوس، کنستانتین (۱۳۷۷)، «ژئوپلیتیک نفت در آسیای مرکزی»، ترجمه غلامرضا هاشمی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۱، صص ۱۵۶-۱۳۷.
۲. شانا (۱۳۹۴)، «پایانه نفتی شمال از پیشرفته‌ترین پایانه‌های نفتی حوزه خزر است»، <http://www.shana.ir/fa/newsagency/243085>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۳/۳۰).
۳. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۳)، «انواع روش‌های قراردادی تجارت متقابل»، اندیشه‌های حقوقی، سال ۲، شماره ۷، صص ۴۶-۵۰.
۴. صادقی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۲)، «ایران و تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی در آسیای مرکزی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۶، شماره ۱۲، صص ۱۱۴-۹۵.
۵. فرزندگان، محمدرضا (۱۳۸۳)، «بررسی اقتصادی ترانزیت نفت حوزه خزر به بازارهای جهانی»، مطالعات اقتصاد انرژی، دوره ۱، صص ۲۰-۳.
۶. قاسمیان، سلیمان (۱۳۹۰)، «چشم‌انداز تجارت جهانی و منطقه‌ای گاز طبیعی در افق ۲۰۳۵ و راهبردهای ایران برای توسعه تجارت گاز»، اکتشاف و تولید، شماره ۸۰، صص ۲۳-۱۷.
۷. گوتس، رولاند (۲۰۰۷)، منابع نفت و گاز منطقه خزر؛ تولید و چشم‌انداز تا سال ۲۰۱۵، تهران: امیرکبیر.
۸. متقی، ابراهیم و مریم همت‌خواه (۱۳۸۷)، «جایگاه ایران در بازار انرژی آسیای مرکزی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۷.
۹. نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۷)، دریاچه خزر در قرن بیست و یکم (رویکرد اقتصادی-حقوقی)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۰. یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۸۵)، «ژئوپلیتیک نفت در خزر و نقش امریکا: بازدارندگی جدید»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۶، صص ۵۲-۳۳.

ب) انگلیسی

1. Ciarreta, A. and S. Nasirov (2010), "Impact of Azerbaijan's Energy Policy on the Development of the Oil Sector", *IAEE Newsletters*, Fourth Quarter, pp. 43- 46.

2. Clawson, Patrick (1997-98), "Iran and Caspian Basin Oil and Gas", **Journal of International Affairs**, Vol. 2, No. 4, pp. 17-27.
3. Dorian, James P. (2006), "Central Asia: a Major Emerging Energy Player in the 21st Century", **Energy Policy**, Vol. 34, No. 5, pp. 544-555.
4. **Energy Information Administration (EIA)** (2006), "Iran Energy Profile", Available at: <http://www.eia.doe.gov>, (Accessed on: 10/8/2010).
5. **Financial Tribune** (2015) "Iran to Propose Oil Swap Resumption to Kazakhstan", July 14, Available at: <https://financialtribune.com/articles/energy/21178/iran-to-propose-oil-swap-resumption-to-kazakhstan>, (Accessed on: 25/12/2017).
6. Guliyev, Farid and Nozima Akhrarkhodjaeva (2009), "The Trans-Caspian Energy Route: Cronyism, Competition and Cooperation in Kazakh Oil Export", **Energy Policy**, Vol. 37, No. 8, pp. 3171-3182.
7. Hart, Michael (2016), "Central Asia's Oil and Gas now Flows to the East", **The Diplomat**, Available: <https://thediplomat.com/2016/08/central-asias-oil-and-gas-now-flows-to-the-east/>, (Accessed on: 18/8/2016).
8. Hull, John C. (2006), **Options, Futures and Other Derivatives**, New Jersey: Prentice Hall.
9. **IBS Case Development Centre** (2011), "Currency Rate Swap between IBM and World Bank", Available at: http://www.ibscdc.org/Case_Studies/Finance,%20Accounting%20and%20Control/Investment%20and%20Banking/INB0007.htm, (Accessed on: 1/1/2018).
10. Mavrakis, Dimitrios and Others (2006), "An Assessment of the Natural Gas Supply Potential of the South Energy Corridor from the Caspian Region to the EU", **Energy Policy**, Vol. 34, No. 13, pp. 1671-1680.
11. "Middle East Update: Iran Expands Middle East Influence into Caspian Sea" (2001), **Oil and Gas Journal Digital Magazine**, Available at: <http://www.ogj.com/articles/print/volume-99/issue-10/special-report/middle-east-update-iran-expands-middle-east-influence-into-caspian-sea.html>, (Accessed on: 25/12/2017).
12. Myers Jaffe, Amy and Robert A. Manning (1998-99), "The Myth of the Caspian Great Game: the Real Geopolitics of Energy", **Survival**, Vol. 40, No. 4, pp. 112-129.
13. Ross, Stephen A., Randolph W. Westerfield and Bradford. D. Jordan (2010), **Fundamentals of Corporate Finance**, McGraw Hill/Irwin.